



## The Status of the Culture of Altruism, Jihad, and Martyrdom in the Qur'an with Emphasis on Islamic Jurisprudence and Law

Alireza Khonsha\*

Assistant Professor, Zand Institute of Higher Education, Shiraz, and Islamic Azad University of Shiraz, Shiraz, Iran.

### Abstract

One of the neglected concepts in contemporary society is altruism, namely the prioritization of public interest over personal benefit, or in other words, the fading of the culture of self-sacrifice and martyrdom. What do altruism, benevolence, martyrdom, and self-sacrifice mean conceptually? What role do these notions play in human perfection and the prosperity of society? Which approaches should be adopted to promote and institutionalize these principles? This study employs a descriptive–analytical method based on library research. The findings indicate that in jurisprudence and law derived from the Qur'an, altruism, jihad, and martyrdom are presented as exalted human values that lead to spiritual proximity, felicity, and the attainment of divine presence (liqā' Allāh). The revelation of verses related to these concepts occurred after the establishment and expansion of Islam in Medina, at a time when believers had become morally adorned with elevated human virtues. This fact reflects the eminent status of these concepts within Islamic culture. Moreover, in order to encourage and promote the culture of altruism and self-sacrifice, the Almighty God, in the Noble Qur'an, refers to concrete and exemplary instances of such conduct.

**Keywords:** Islam; human being; altruism; Islamic jurisprudence; law; salvation; Qur'an

Received: 23/December/2026

Accepted: 19/February/2026

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

## جایگاه فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت در قرآن با تأکید بر فقه و حقوق اسلامی

استادیار مؤسسه آموزش عالی زند شیراز و دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، شیراز،  
ایران.

علیرضا خنشا\*

### چکیده

یکی از مفاهیم فراموش شده جامعه کنونی، نوع دوستی، ترجیح دادن منافع عمومی بر منفعت شخصی و در یک کلمه، فراموشی فرهنگ ایثار و شهادت می‌باشد. در مفهوم ایثار، نوع دوستی، شهادت و از خودگذشتگی یعنی چه؟ این مفاهیم چه جایگاهی در تکامل انسان و سعادت جامعه برعهده دارند؟ برای گسترش این مبانی از چه شیوه‌هایی باید استفاده شود؟ این پژوهش به شیوه تحلیلی-توصیفی به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته و نتایج نشان می‌دهد: در فقه و حقوق برخاسته از قرآن، ایثار، جهاد و شهادت به‌عنوان مفاهیم عالی انسانی مطرح شده است که موجب قرب، سعادت و لقاالله می‌گردد. نزول آیات مرتبط با موضوع، بعد از برپایی اسلام و گسترش آن در مدینه و زمانی که مؤمنین متخلق به ارزش‌های والای انسانی شده‌اند، مطرح شده است و این نشان از جایگاه رفیع این مفاهیم در فرهنگ اسلامی دارد و نیز جهت تشویق و گسترش فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی، حق تعالی در کتاب شریف از نمونه‌های مصداقی آن یاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اسلام، انسان، ایثار، فقه، حقوق، رستگاری، قرآن

## ۱- طرح مسئله

انسان‌ها در جامعه امروزی، به ترتیب به دنبال منافع شخصی، خانوادگی و اجتماعی هستند و یکی از مفاهیم فراموش شده جامعه کنونی، نوع دوستی، ترجیح دادن منافع عمومی بر منفعت شخصی و در یک کلمه فرهنگ ایثار و شهادت است. ایثار، نوع دوستی، شهادت و از خودگذشتگی یعنی چه؟ این مفاهیم چه جایگاهی در تکامل انسان و سعادت جامعه برعهده دارند؟ برای گسترش این مفاهیم از چه اصولی باید استفاده شود؟ در این پژوهش تلاش می‌شود به بررسی این مفاهیم با استناد به قرآن و تفاسیر پرداخته تا روشنی‌بخش رسیدن انسان به تکامل و سعادت باشیم.

## ۲- شرح

در این پژوهش به بررسی لغوی، اصطلاحی سیمای ایثار و شهادت در قرآن و مقایسه دیدگاه مفسران فریقین پرداخته می‌شود.

### ۱-۲- بررسی لغوی

#### ۱-۱-۲- شهادت

شهادت از ریشه شهد و به معنای حضور همراه با مشاهده است، مشاهده چشمی و یا بصیرت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۶۵). در آیات «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ...» پس هر کس از شما این ماه را درک کند (حاضر باشد)، باید آن را روزه بدارد» (بقره: ۱۸۵) و «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و باید دسته‌ای از مؤمنان حاضر باشند و مجازات آن دو را مشاهده کنند» (نور: ۲). شهادت نیز که از شهد مشتق می‌شود و به معنی حضور و دیدن می‌باشد؛ گاهی به معنای «خبر قاطع» می‌آید مانند: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ؛ و کیست ستمکارتر از آن کس که شهادت و خبر قاطعی از خدا را در نزد خویش پوشیده دارد» (بقره: ۱۴۰) و گاهی به معنای «آشکار» می‌آید مانند: «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ؛ دانای نهران و آشکار، بزرگ و بلندمرتبه است» (رعد: ۹) و نیز به معنای ادای شهادت آمده، مانند: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ در روزی که زبان و دست‌ها و پاهایشان، بر آنچه انجام می‌دادند، شهادت می‌دهند» (نور: ۲۴) و «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِنَا؛ این برای آن است که شهادت را به صورت درست ادا کنند... فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا؛ پس به خدا سوگند یاد می‌کنند که: گواهی و شهادت ما قطعاً از گواهی آن دو درست‌تر است» (مائده: ۱۰۷-۱۰۸). همچنین به معنای علم، اقرار و حکم کردن می‌آید که از ریشه حضور و دیدن می‌باشد، مانند: «فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ؛ هر یک از آن‌ها، چهار بار به خدا سوگند یاد کند» (نور: ۶) یا «شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ؛ درحالی که به کفر خویش حکم و شهادت می‌دهند» (توبه: ۱۷) یا «وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا؛ و شاهدی از خانواده آن زن، شهادت داد» (یوسف: ۲۶). با جست‌وجو در آیات نشان می‌دهد که شهود جمع شاهد به معنای حاضر و اشهاد به معنی شهادت دهنده است مانند: «وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛ و روزی که گواهان و شاهدان برپای می‌ایستند» (غافر: ۵۱). برخی از لغویون نیز «شهادت» را به معنی خبر قاطع (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۲۳) یا آشکارا دیدن چیزی (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۲۴) می‌دانند. همچنین لفظ شهادت در اذان و اقامه (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ) نیز از باب تَفَعُّلٌ از شهادت می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۳۹). در اصل، شهادت: به سخن گفتن از روی علم و آگاهی که از مشاهده و بصیرت یا دیدن با حواس و چشم حاصل شده، گفته می‌شود (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۵۱). همچنین کسی که در راه خدا کشته می‌شود شهید نامیده می‌شود چون او نزد پروردگارش زنده و حاضر است یا خدا و ملائکه،

بهشت را برای او گواهی می‌دهند یا اینکه او ملکوت خدای عزوجل و ملکش را می‌بیند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۸۸). به محضر و مکان حضور نیز مشهّد می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۹۸).

## ۲-۱-۲- ایثار

ایثار از ریشه اثر به معنای مقدم شمردن، ترجیح دادن می‌باشد و سه مرتبه در قرآن مجید به کاررفته است. کلمه الأثر به طور استعاره برای فضل و بزرگی و ایثار و از خود گذشتگی است و - آثرته - نیز به همان معنا است چنان که در آیات زیر: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ» (حشر: ۹) و «تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا» (یوسف: ۹۱) و «بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاءَ الدُّنْيَا» (اعلی: ۱۶) و در حدیث «سیکون بعدی أثره» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۴۸).

برخی لغویون نیز حقیقت ایثار را چنین تعریف کرده‌اند: تصدیق تأثیر و تقدم دادن به آنچه شایسته است، یعنی انتخاب نوع دوستی و برگزیدن آن بر دیگر عمل می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۳۵). عالمان دیگر این رشته نیز «آثر يُؤثرُ» را از باب افعال، به معنای برگزیدن، نوع دوستی، بر خود مقدم داشتن آورده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۹۸؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۳).

برخی از مفسران نیز در شرح آیه ایثار را این چنین شرح داده‌اند: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (ایثار) به معنای اختیار و انتخاب چیزی بر غیر آن است و کلمه «خصاصه» به معنای فقر و حاجت است. راغب گفته: کلمه «خصاص البیت» به معنای شکاف خانه است، و اگر فقر را «خصاصه» خوانده است، بدین جهت است که فقر نمی‌تواند شکاف حاجت را پر کند و به همین جهت است که از آن به کلمه «خله» نیز تعبیر می‌کنند و معنای آیه این است که: انصار، مهاجرین را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند که خود مبتلا به فقر و حاجت باشند و این توصیف از تعریف قبل در مدح رساتر و گران قدرتر است. در حقیقت معنای آیه این است: «نه تنها چشم‌داشتی ندارند بلکه مهاجرین را مقدم بر خود می‌دارند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۰۶).

«وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ» یعنی ایثار می‌کنند مهاجرین را و آن‌ها را مقدم می‌دارند به اموالشان و منازلشان» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۹۳). مفسران فریقین نیز آن را به معنای مقدم داشتن دیگران بر خود و ایثار و از خود گذشتگی دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۰۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۵۰۸؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۲۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۹۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۲۴۶؛ مراغی، بی تا، ج ۲۸، ص ۴۴؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۴۴؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۲۸، ص ۸۴). در نتیجه مفسران «يُؤْتِرُونَ» را به معنای ایثار و بر خود مقدم داشتن می‌دانند.

## ۲-۲- آیات شهادت

از آیات کلیدی در موضوع شهادت و جهاد فی سبیل الله، می‌توان از آیه ۱۵۴ بقره و ۱۶۹ آل عمران نام برد.

### ۲-۲-۱- آیه ۱۵۴ سوره بقره

«وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِن لَّا تَشْعُرُونَ»؛ و به آن‌ها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده‌اند اما شما درک نمی‌کنید! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۴). در شرح آیه: «مراد از حیات بعد از شهادت، حیات حقیقی (در عالم برزخ) است نه صرف دل‌خوشی صرف، با در نظر گرفتن اینکه قرآن در چند فراز زندگی کافر را بعد از مردن هلاکت و بوار خوانده: «وَأَحْلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ، قوم خود را بدار هلاک وارد کردند» (ابراهیم: ۲۸) از آیاتی نظیر آن، متوجه می‌شویم که منظور از حیات شهیدان، حیاتی سعید است که خداوند

تنها مؤمنین را با آن احیاء می‌کند: «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ، لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ، و به درستی خانه آخرت زندگی حقیقی است، اگر می‌توانستند بفهمند»، (عنکبوت: ۶۴) آنان که حواس خود را منحصر به درک زندگی دنیایی کردند و غیر آن را نخواستند، نتوانستند میان بقاء و فنا فرق بگذارند و آن زندگی را هم فنا پنداشتند و این پندار اختصاص به کفار نداشت، بلکه مؤمن و کافر هر دو در دنیا دچار این اشتباه هستند. در آیه مورد بحث به مؤمن و کافر خطاب می‌کند: شهدا بعد از مردن زنده‌اند، شما با حواس خود درک نمی‌کنید، در آیه دیگر همین عبارت تکرار می‌شود: «لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»، اگر می‌توانستند یقین حاصل کنند، واژه علم در آیه به معنای یقین است، به شهادت اینکه در آیه: «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ، لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ، حاشا اگر به علم یقین می‌دانستید، جهنم را می‌دیدید»، (تکواثر: ۵ و ۶) علم به آخرت را مقید به علم یقین کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۲۱).

پیام آیه:

- «لا تَقُولُوا»: باید با ایمان به خدا و اطاعت از فرامین وحی، نگرش‌های محدود مادی را تصحیح و کامل نمود.  
- با پشتوانه اعتقادی و تقویت ایمان درونی، تکالیف سخت، انجام‌پذیر هستند. آری، کسی که بداند زنده است، به شهادت رو می‌کند؛ «لا تَقُولُوا» «أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ».

- جهاد و شهادت، زمانی که در راه خدا باشد ارزش دارد؛ «فِي سَبِيلِ اللَّهِ».  
- جهاد و پیکار در راه حفظ و احیای دین، از ارزش‌های والا در پیشگاه خداوند برخوردار است؛ «يُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

- هر چند جسم و بدن بعد از مرگ متلاشی شود اما روح زنده و باقی است؛ «أَحْيَاءٌ»  
- بی‌اطلاعی از واقعیات، سرچشمه بسیاری از تحلیل‌های نادرست است؛ «لا تَقُولُوا»، «لا تَشْعُرُونَ» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳۹).

## ۲-۲-۲- آیات ۱۷۱-۱۶۹ سوره آل عمران

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ\* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ\* يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندارید، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارش روزی داده می‌شوند\* به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند\* بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباہ نمی‌گرداند» (فولادوند، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۲). در شأن نزول آیه: ابن مسعود از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که خداوند به ارواح شهیدان احد خطاب کرد و از آنها پرسید: چه آرزویی دارید؟ آنها گفتند: پروردگارا! ما بالاتر از این چه آرزویی می‌توانیم داشته باشیم، که غرق نعمت‌های جاویدان توایم و در سایه عرش تو مسکن داریم، تنها تقاضای ما این است که بار دیگر به جهان برگردیم و مجدداً در راه تو شهید شویم، خداوند فرمود: سنت الهی بر آن تعلق گرفته که کسی دوباره به دنیا بازنگردد، عرض کردند: حال که چنین است سلام ما را به پیامبر (ص) برسان و به بازماندگانمان، حال ما را بگو و از وضع ما به آنها بشارت ده که نگران نباشند، در این هنگام آیات فوق نازل شد» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۰۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۹).

در شرح و تفسیر آیه آمده: «ای پیامبر! هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ: بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارش منتعم‌اند. منظور از حیات و زندگی در اینجا همان حیات و زندگی برزخی است که ارواح در عالم پس از مرگ دارند، نه زندگی جسمانی و مادی، گرچه زندگی برزخی، اختصاصی به

شهیدان ندارد، بسیاری دیگر از مردم نیز دارای حیات برزخی هستند، ولی از آنجا که حیات شهیدان یک حیات فوق‌العاده و آمیخته با انواع نعمت‌های معنوی است - و به‌علاوه موضوع سخن، در آیه آن‌ها هستند - تنها نام از آن‌ها برده شده است. آن‌ها به قدری غرق مواهب حیات معنوی هستند که گویا زندگی سایر برزخیان در مقابل آن‌ها چیزی نیست. سپس به گوشه‌ای از مزایا و برکات فراوان زندگی برزخی شهیدان اشاره می‌کند: *فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ*: آن‌ها به خاطر نعمت‌های فراوانی که خداوند از فضل خود به آن‌ها بخشیده است خوشحالند. یکی دیگر از دلایل سرور آن‌ها به خاطر برادران مجاهد است که در میدان جنگ شهید نشده و به آن‌ها ملحق نگردیده‌اند زیرا مقامات و پادشاه‌های آن‌ها را در آن جهان به‌خوبی می‌بینند و از این رو مستبشر و شاد می‌شوند، همان‌طور که قرآن می‌گوید: *وَسَبِّشْرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ* و به دنبال آیه: *أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ*، یعنی شهیدان احساس می‌کنند که برادران مجاهد آن‌ها، پس از مرگ، هیچ‌گونه اندوهی نسبت به آنچه در دنیا گذارده ندارند و هیچ ترسی از روز رستاخیز ندارند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۷۱).

این مضمون که: شهیدان زنده‌اند و روزی آنان نیز عنداللهی است، مراد از قرب و عنایت منزلت است، زیرا خداوند از جسم، مکان و امثال آن منزّه است و روح مجرد از جسم می‌تواند به خداوند قرب معنوی داشته باشد. از تقدیم ظرف «عند ربهم» بر فعل «یرزقون» دانسته می‌شود حیات شهیدان، عندالله واقعی و ثابت است، آنچه به شهیدان می‌رسد از زوال مصون است و آنان به سبب بهره‌مندی از حیات و رزق الهی، جاودانه منتعم‌اند. شهیدان در برزخ و در بهشت، از رزق و روزی معنوی؛ مانند معرفت، شهود و لذت حضور برخوردارند.

شهیدان از این مقام و برای بهره‌مندی از رزق کریم و بی‌زوال و پادشاه عظیم الهی و نیز به جهت آثار حیاتی که شهادتشان برای جامعه داشته است، شادمان‌اند. فضل به اهل ایمان عطای الهی است نه به زخارف دنیا. البته شادی شهیدان وصف ناشدنی است که مواردی از آن در این آیات آمده مانند زنده بودن شهیدان، خون شهید نیز آثاری عملی دارد و همان‌گونه که وی در زندگی برای نجات دیگران می‌کوشید، آثار و برکات خون او نیز سبب می‌شود گروه بیشتری هدایت شوند و راه شهید را در پیش گیرند. شهید، با آثار عملی از این دنیا به نشئه دیگر می‌رود، از این رو به امور دنیا آگاه است و از دنیا خبر مسرت‌بخش می‌گیرد. او مستمر استبشار می‌کند؛ یعنی نشاط از راه بشارت می‌طلبد تا مسرور گردد و خداوند یا مدبران الهی، حال مؤمنان سالک و رهپویان ملحق نشده را به شهدا مژده می‌دهند و آن‌ها خوشحال می‌شوند. گزارش این صحنه، عامل تشویق و تحریک رزمندگان و راهیان کوی شهادت است و ذکر استبشار شهید در این گزارش، تحمید حال وی و بیانگر عظمت مقام اوست که بعد از ارتحال نیز همچون قبل از آن به فکر نجات دیگران و نگران آنان است. از آنجا که شهید ایثارگر است و با همین فضیلت سفر کرده، جویای خبر از دوستان همراه خویش است که در میانه راه‌اند و هنوز به مقصد نرسیده‌اند؛ و خداوند در پاسخ این خواست شهیدان می‌فرماید که هم‌زمان هیچ ترس و اندوهی نخواهند داشت و شهدا با گرفتن این بشارت خوشحال می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۲۷۸-۲۷۹).

براساس آیات مزبور که در آن حیات شهید و اثر آن بیان شد، شهید دو حکم نفسی و نسبی دارد: حکم نفسی وی که او زنده است و نزد خدا از رزق الهی بهره می‌برد و از نعمت و فضل الهی منتعم است و چون حیات و رزق او عندالله است، زوال‌پذیر نیست: «ما عندکم ینفدُ وما عند الله باق» پس شهید، جاودانه منتعم است. حکم نسبی شهید، ایجاد فرهنگ شهادت و گسترش آن در امت اسلامی، نگهبانی از احکام و قوانین اسلام در بین مردم است و عده‌ای که با «کم یلحقوا بهم» از آن‌ها یاد شده، مشمول حکم نسبی آنان‌اند. این عنوان که عدم ملکه است، بیانگر آن است که گروهی راهیان راه شهیدان ولی هنوز نرسیده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۲۸۵).

## ۲-۲-۳- نفی هرگونه ترس و اندوه از رهیویان شهدا

یکی از نکاتی که از این آیات استفاده می‌شود، ترویج فرهنگ جهاد است که خداوند هرگونه خوف و ترسی از شهادت برای مؤمنین و رهیویان شهدا را نفی می‌کند. زیرا «خوف» در جمله «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ» نکره در سیاق نفی است و عموم را می‌رساند؛ یعنی هر خوفی از آنان برداشته شده است. جمله «وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» فعل مضارع است و بر استمرار دلالت می‌کند؛ یعنی هیچ حزن و اندوهی نخواهند داشت. این جمله برای استمرار نفی است نه نفی استمرار؛ نظیر عموم النَّفَى و نفی عموم؛ یعنی آنان همیشه از غم منزّه هستند و هرگز غم ندارند؛ نه اینکه غم دائمی ندارند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۳۰۲).

## ۲-۲-۴- روایات تفسیری آیه

(الف) عن أبي جعفر (ع) قال: أتى رجل رسول الله (ص) فقال: إني راغب نشيط في الجهاد! قال: فجاهد في سبيل الله فإنك إن تقاتل كنت حياً عند الله ترزق وإن مت فقد وقع أجرك على الله وإن رجعت خرجت من الذنوب إلى الله. هذا تفسير «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً؛ مردی نزد رسول اکرم (ص) آمد و گفت: به درستی که من برای شرکت در جهاد مشتاق و راغب هستم. پیامبر (ص) در جواب گفت: در راه خدا جهاد نما، به درستی که اگر کشته شوی، نزد خدا زنده و روزی می‌خوری و اجر کار تو با خداست و اگر زنده بازگردی، از گناهان پاک شوی و این تفسیر آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً» می‌باشد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۶).

(ب) عن عقيل الخزاعي أن أمير المؤمنين (ع) كان إذا حضر الحرب يوصي للمسلمين بكلمات فيقول: تعاهدوا الصلاة إلى أن قال (ع): ثم إن الجهاد أشرف الأعمال بعد الإسلام وهو قوام الدين والأجر فيه عظيم مع العزة والمنعة، وهو الكرامة، فيه الحسنات والبشرى بالجنة بعد الشهادة وبالرزق غداً عند الرب والكرامة يقول الله تعالى: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» الآية؛ امام علی (ع): در هنگامی که برای جنگ آماده می‌شد، در کلماتی مسلمین را دعا نمود و گفت: به درستی که جهاد اشرف اعمال بعد از اسلام و مایه ثبات و قوام دین است و اجر آن زیاد و مایه فوز و برکت، موجب بشارت به بهشت بعد از شهادت و رزق فراوان نزد خداوند می‌گردد و این تفسیر آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۶-۳۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۰۸).

(ج) امیرالمومنین (ع): إِنَّ الْجِهَادَ أَشْرَفُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْإِسْلَامِ وَهُوَ قَوَامُ الدِّينِ وَالْأَجْرُ فِيهِ عَظِيمٌ مَعَ الْعِزَّةِ وَالْمَنْعَةِ وَالْكَرْمَةِ فِيهِ الْحَسَنَاتُ وَالْبُشْرَى بِالْجَنَّةِ بَعْدَ الشَّهَادَةِ وَالرِّزْقُ غَدَاً عِنْدَ الرَّبِّ وَالْكَرَامَةُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

امام علی (ع): جهاد برترین اعمال بعد از مسلمان شدن و آن برپادارنده‌ی دین و پاداش آن بزرگ و همراه با عزت و بلندی مرتبه و در آن همه‌ی نیکی‌ها است و فردا بعد از شهادت نزد پروردگار بشارت به بهشت و به روزی و شرافت، است. خدای عزوجل می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (بردازش، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۸۲۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۴۴۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۹۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵).

(د) الباقر (ع) -أتى رجل رسول الله (ص) فقال إني راغب نشيط في الجهاد قال فجاهد في سبيل الله فإنك إن تقاتل كنت حياً عند الله ترزق وإن مت فقد وقع أجرك على الله وإن رجعت خرجت من الذنوب إلى الله هذا تفسير ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتاً.

امام باقر (ع): مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: «من بسیار مایل به جهاد در راه خدا هستم». رسول خدا (ص) فرمود: «پس در راه خدا جهاد کن که اگر کشته شوی، زنده هستی و در نزد خدا روزی می‌خوری و اگر بمیری، اجر

تو بر عهده‌ی خداست و اگر زنده بازگردی از گناهان خود پاک شده‌ای». این سخن همان تفسیر این آیه است: وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا (بردازش، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۸۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۱۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۰۶؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق؛ البرهان).

## ۲-۲-۵- پیام‌های آیه

- شهادت، اتمام زندگی نیست، سرآغاز حیات است. یعنی کشتگان راه خدا زنده‌اند؛ «بَلْ أَحْيَاءٌ».
- جهاد و شهادت، یافتن و به‌دست آوردن است، نه باختن و از دست دادن؛ «بَلْ أَحْيَاءٌ»، «يُرْزُقُونَ».
- جهاد و کشته شدن، اگر در راه خدا باشد، ارزشمند است؛ «قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ».
- فکر و تصور زوال یا خسارت برای شهید، تفکری نادرست است که باید اصلاح شود؛ «لَا تَحْسَبَنَّ» (قرآنی، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۱۹۸).

## ۲-۲-۶- نکاتی پیرامون شهید و شهادت

- ۱- در احادیث اهل‌بیت (ع) آمده است که به شهید، هفت ویژگی از جانب خداوند اعطا می‌شود: اولین قطره‌ی خون شهید، موجب آمرزش گناهان او می‌گردد. شهید به دامن حورالعین سر می‌نهد. به لباس‌های بهشتی تزیین و آراسته شده و معطر به خوش‌بوترین عطرها می‌شود. جایگاه زیبا و عالی خود را در بهشت مشاهده کرده و اجزای گردش و تماشای مناظر زیبای بهشت به او داده می‌شود. پرده‌های غیب برای او کنار رفته و به وجه خدا نظاره می‌کند (وسائل الشیعه حرعاملی، ج ۱۱، ص ۱۰).
- ۲- پیامبر (ص) از شخصی شنید که در دعا می‌گوید: «اسئلك خير ما تسئل» خدایا! بهترین چیزی که از تو درخواست می‌شود به من عطا کن، ایشان فرمود: اگر دعای این فرد مستجاب شود، شهادت در راه خدا نصیبش می‌شود (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۴۳).
- ۳- بالاتر از هر خیر و نیکی، نیکوتری هست مگر جهاد و شهادت، هر زمان انسانی شهید شود، بالاتر از آن خیر و نیکوی برای او قابل درک و تصور نیست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۶۱).
- ۴- شهید در روز قیامت، دارای مقام شفاعت است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۵).
- ۵- از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: لغزش‌های شهید در قیامت، به خودش نیز نشان داده نمی‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۹۶).
- ۶- شهدای خط شکن و جهادگران صف اول نبرد، مقام و جایگاه‌شان بالاتر می‌باشد (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۴۰۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۵۱۸).
- ۷- شهیدان و مجاهدان از درب ویژه و خاصی وارد بهشت می‌گردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۸) و قبل از همه به بهشت می‌روند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۱۱) و در بهشت جایگاه خاص و ویژه‌ای دارند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۴۱).
- ۸- شهید تنها شخصی است که آرزو می‌کند به دنیا بیاید و دوباره در راه خدا به فیض شهادت نائل شود (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۸).
- ۹- جهاد و شهادت در راه خدا، عالی‌ترین و گواراترین مرگ‌ها می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۸).
- ۱۰- در نزد خداوند، هیچ قطره‌ای محبوب‌تر و ارزشمندتر از قطره‌ی خون شهید نیست (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶).

- ۱۱- شهید و مجاهد راه حق در روز قیامت، سلاح به دست، با جامه رزم و بو و عطر خوش به صحنه محشر می آید و فرشتگان به او صلوات و درود می فرستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۶).
- ۱۲- امامان ما شهید شدند. بسیاری از انبیا و رهروان و پیروان آنان نیز شهید شدند.
- ۱۳- چه زیباست سخن امام که در وصف شهدا می گوید: «شهداء در قهقه مستانشان و در شادی وصولشان عند ربهم یرزقونند» (امام خمینی).
- ۱۴- در سخن بزرگان آمده است که شهداء راه صدساله قرب و لقاالله را یک شبه و با نثار خون خویش طی نمودند.

## ۲-۳- آیات ایثار

از آیات کلیدی در موضوع ایثار، می توان از آیه ۹ سوره حشر و آیات ۸ و ۹ سوره انسان نام برد.

### ۲-۳-۱- آیه ۹ سوره حشر

«وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده اند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل هایشان حسدی نمی یابند و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آن ها را بر خودشان مقدم می دارند و هر کس از حسد نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارانند» (فولادوند، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۴۶).

در شرح آیه آمده است: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَآنَانَ كِه جَا كَرَفَتْنَد دَر سَرَاي هِجْرَت وَآلِإِيمَانَ وَ دَر سَرَاي اِيْمَان كِه آن مدینه مشرفه است چون ایمان در مدینه ظاهر گردید آن را دار ایمان گفتند من قبلهم پیش از مهاجرین، یحیون من هاجر الیهم دوست می دارند ایشان کسانی را که هجرت کردند به سوی ایشان «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ» مبتدأست و «يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ» خبر آن است که می تواند مانند «و للفقراء المهاجرین» متعلق آن مقدر باشد حضرت رسول بر انصار از ما آفاء الله نصیبی نبخشید مگر دو کس یا سه کس را پس عطف «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ» بر «المهاجرین» وقتی درست می شود که این قسمت را به طریق تفضل قرار دهند و آن هم به امر رسول الله تا بهر که خواهد ببخشد «وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً» نیابند در دل های خود حاجت را از طلب و حسد ممأ اوتوا از آنچه داده شده اند مهاجران از غنائم و یؤتوون علی انفسهم و اختیار می کنند مهاجرین را بر نفس های خود و لو كان بهم خصاصة هر چند خود به آن محتاج باشند از خود باز می گیرند و به مهاجرین می دهند و مَنْ یوق شح نفسه و هر که نگهداشته شود از بخل نفس که مقتضای طبع است فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ایشانند رستگاران» (شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۴۳۶).

### روایات تفسیری آیه

الف) از جمیل بن دراج نقل شده که امام صادق (ع) بعد از آنکه در تعریف اهل کرم و جود مبالغه کردند، فرمودند که «یا جمیل اما ان صاحب الکثیر یهون علیه و قد مدح الله عز و جل صاحب القلیل فقال: وَیُؤْتِرُونَ عَلَی اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»؛ یعنی بدان ای جمیل که صاحب و مالک مال کار او سهل است و اگر بذل مال خود کند باعث مدح و تعریف او نمی شود خدای تعالی مدح کرده آنان را که مال کمی دارند و مع هذا آن را در راه خدای تعالی بذل و ایثار می نمایند فرموده «و یؤتروون علی انفسهم و لو كان بهم خصاصة» (شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۴۳۷).

ب) امام صادق (ع) فرمود: «از امتیازاتی که خدای عزوجل به مؤمن داده این است که نیکی برادرانش را به او یاد داده و گرچه اندک باشد، نیکی لازم نیست که بسیار باشد و این است که خدای عزوجل در قرآنش می فرماید: وَ

يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ. و به دنبالش فرموده: مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ سپس آن حضرت فرمود: «هر که خدا آن را به وی آموخته دوستش دارد و هر که را خدا دوست دارد به او مزدش را در روز قیامت بی حساب و اندازه بپردازد». و آن‌گاه فرمود: «ای جمیل! این حدیث را برای برادرانت روایت کن زیرا که آن برای برادرانت تشویق به نیکو کاریست» (بردازش، ۱۳۹۴، ج ۱۶، ص ۱۳۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۰۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۳۷۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ق: نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۴۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۲۹۹).

ج) جمیل گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: «فدایت شوم! غرر اصحاب و یاران خوب من چه کسانی هستند؟» فرمود: «آنان کسانی هستند که به برادران در گرفتاری و آسایش نیکی کنند». سپس فرمود: «ای جمیل! این کار برای ثروتمندان آسان است و خداوند تهیدستانی را که اقدام به احسان و نیکی به برادران می‌نماید مدح و ستایش فرموده که در قرآن فرمود: وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (بردازش، ۱۳۹۴، ج ۱۶، ص ۱۳۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۴۲۹).

## ۲-۳-۲- آیه ۸ و ۹ سوره انسان

«وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا\* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَّا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَّا شُكْرًا؛ و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند! \* (و می‌گویند: ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۷۹).

در شأن نزول آیه به روایت شیعه و اهل سنت از آیه اِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا در شأن حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسنین و فضه که خادمه ایشان بود نازل شده و سبب نزول چنانچه صاحب مجمع البیان آورده زمانی حسنین بیمار شدند و حضرت رسالت پناه با اصحاب به عیادت رفتند، فرمودند که ای ابوالحسن از برای حسنین نذری کن تا حق تعالی ایشان را از این بیماری نجات بخشد. پس حضرت سیدالوصیین نذر کرد اگر حق تعالی لباس صحت بپوشاند من سه روز روزه دارم و همچنین سیده نساء العالمین و فضه که خادمه ایشان سه روز روزه نذر کردند. در امالی صدوق مرویست که حسنین نیز اقتدا کرده سه روز روزه نذر کردند، شفای کامل نصیب ایشان گردانید و چون حضرت عزیمت نذر کردند از یهودی شمعون بن حاریا و یا فنحاص بن الحارث چنانچه ابن شهر آشوب در مناقب خود تصریح کرده، سه صاع جو قرض نمودند. شب اول مسکینی بدر خانه آمد نان خود را به آن مسکین دادند خود به آب روزه گشودند و همچنین در شب دوم یتیمی و در شب سوم اسیری. در آن حال به خدمت حضرت رسالت آمدند بعد از مشاهده آن حال توسط جبرئیل سوره هل اتی نازل شد (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۹۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۶۱؛ شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۶۶۱؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۳۰۳).

در شرح و تفسیر آیه آمده: «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَبِّهِ» یعنی اطعام می‌کنند با حبی که بر طعام انحصاری خود دارند. یعنی می‌خورانند طعام موجود و منحصر خود را با نیاز شدیدی که بر آن دارند. خداوند آن‌ها را توصیف به ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خودشان نموده «وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»، دیگران را بر خود اختیار می‌کنند گرچه اختصاص، به خودشان داشته باشند. ابوسعید خدری از پیامبر (ص) حدیث نموده مسلمانی که مؤمنی را مهمان نموده در گرسنگی و اطعام کند، خدا او را از میوه‌های بهشت اطعام نماید و نیست مسلمانی که مسلمانی را از برهنگی بپوشاند مگر آنکه خداوند او را از لباس‌های بهشت بپوشاند و کسی که در تشنگی مؤمنی را سیراب کند خدا او را از شربت‌های بهشتی سیراب کند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۷).

در این آیات روح ایثار و از خودگذشتگی و مقدم داشتن دیگران بر خود موج می‌زند و خداوند به خاطر بزرگداشت و تعظیم این فرهنگ آیاتی از این سوره یا تمام سوره را نازل نمود تا به این وسیله دیگر مؤمنین را به انجام عمل ایثار و نوع دوستی تشویق نماید.

## ۲-۴- سیمای جهاد

از جمله مفاهیم همراه با شهادت، جهاد فی سبیل الله می‌باشد. این واژه از ریشه «جهاد» نشأت گرفته و در قرآن مجید ۴۱ مرتبه، در ۱۹ سوره و ۳۶ آیه آمده است (نرم‌افزار جامع التفاسیر قرآن). مطالعه آیات نشان می‌دهد این واژه در سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، انفال، توبه، نحل، حج، نور، فرقان و عنکبوت بیشتر به کار برده شده است. به غیر از سوره‌های انعام، نحل، فرقان و عنکبوت که مکی هستند، بقیه سوره‌ها مدنی هستند. این نشان می‌دهد ترویج فرهنگ ایثار و جهاد و شهادت در قرآن، وقتی که اعراب ایمان آورده و جزء مؤمنین شده‌اند، صورت گرفته است.

مطالعات بیشتر مطلب فوق را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد بیشترین هم‌نشینی جهاد در آیات همراه با ایمان است. هم‌نشینی جهاد با ایمان: ۱۸ مورد شامل بقره/۲۱۸، مائده/۳۵ و ۵۳ و ۵۴؛ انعام/۱۰۹؛ انفال/۷۲ و ۷۴ و ۷۵؛ نساء/۹۵، توبه/۱۶ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۴ و ۴۱ و ۴۴ و ۸۱ و ۸۶ و ۸۸ می‌باشد.

هم‌نشینی جهاد با صبر: سه مورد شامل محمد/۳۱، نحل/۱۱۰ و آل عمران/۱۴۲.

جهاد و هدایت: یک مورد سوره عنکبوت آیه ۶۹.

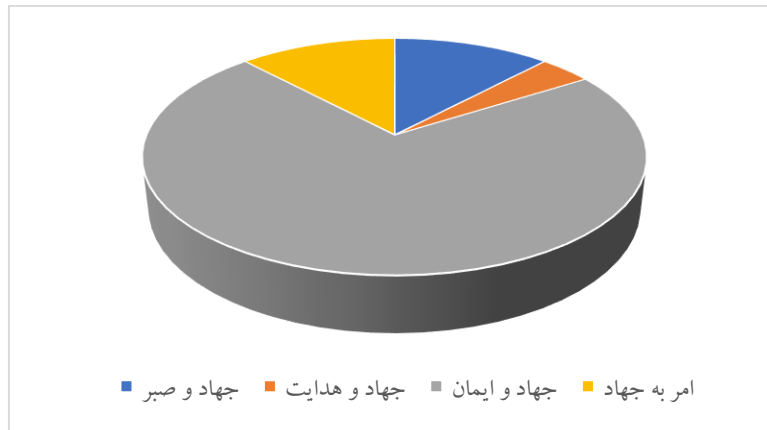
دعوت و امر به جهاد: سه مرتبه شامل فرقان/۵۲، عنکبوت/۶، حج/۷۸.

جدول ۱. سوره‌های جهاد

نام سوره	نوع	تعداد آیات جهاد
بقره	مدنی	۱
آل عمران	مدنی	۱
نساء	مدنی	۱
مائده	مدنی	۳
انعام	مکی	۱
توبه	مدنی	۹
نحل	مکی	۲
حج	مدنی	۱
نور	مدنی	۱
فرقان	مکی	۱
عنکبوت	مکی	۳

جدول ۲. هم‌نشینی‌ها

نوع هم‌نشینی	فراوانی
جهاد و صبر	۳
جهاد و هدایت	۱
جهاد و ایمان	۱۸
امر به جهاد	۳



شکل ۱. هم‌نشینی جهاد با مفاهیم دیگر

### ۳- نتایج

از مطالعه و بررسی آیات فقهی و حقوقی قرآن مجید مربوط به ایثار، جهاد و شهادت، این نتایج حاصل شده است:

۱- قرآن، مفاهیم ایثار، جهاد و شهادت را به‌عنوان مفاهیم عالی حقوق انسانی مطرح می‌کند که موجب قرب، سعادت و لقا الله می‌گردد.

۲- خداوند در قرآن مجید، نه تنها به شهادت و کشته شدن در راه خدا، مقتول و مرده نمی‌گوید بلکه شهید را زنده و دارای مراتب عالی حیات و متنعم به نعمت‌های فراوان نزد خداوند متعال می‌داند.

۳- جهت تشویق و گسترش فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی در حقوق اسلامی، حق تعالی در کتاب منزل از نمونه‌های مصداقی مانند انفاق و از خودگذشتگی خاندان امیرالمؤمنین (ع) و مقدم شمردن انصار، مهاجرین را بر خود درحالی که خود نیاز داشتند، یاد می‌کند.

۴- ذات مقدس الله، امر به ایثار، جهاد و شهادت را بیشتر بعد از برپایی اسلام و گسترش آن در مدینه و زمانی که مؤمنین متعلق به ارزش‌های والای انسانی شده‌اند، مطرح می‌نماید و این نشان از جایگاه والای این مفاهیم در فرهنگ حقوق اسلامی دارد.

۵- تشویق به ایثار، از خودگذشتگی، جهاد و شهادت در روایات فراوانی مورد تأکید ائمه معصومین (ع) قرار گرفته و این نشان از لزوم گسترش، تعمیق و تبیین این فرهنگ و حقوق والا در جامعه انسانی دارد.

### منابع

- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). *التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسه تاریخ عربی.
- ابن عربی، محیی‌الدین محمد. (۱۴۲۲ق). *تفسیر ابن عربی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالصادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- بردازش، علیرضا. (۱۳۹۴). *تفسیر اهل بیت علیهم السلام*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم. (۱۳۶۶). *تفسیر جامع*. تهران: انتشارات صدر.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسایل الشیعه*. قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن* (چاپ اول). بیروت.

- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ق). *الدر المثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*. تهران: نشر داد.
- صاحب بن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم‌الکتاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۱). *مجمع البحرین*. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- عروسی حویزی، عبد علی جمعه. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. قم: اسماعیلیان.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). *کتاب التفسیر (تفسیر عیاشی)*. تهران: چاپخانه علمیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- فضل‌الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ق). *تفسیر من وحی القرآن*. بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.
- فولادوند، محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). *ترجمه قرآن*. تهران: دارالقرآن الکریم.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). *القاموس المحیط*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق). *تفسیر صافی*. تهران: انتشارات صدر.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی (مصحح: علی اکبر غفاری)*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام. (۱۴۰۱ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمودی ری شهری، محمد. (۱۳۹۰). *میزان الحکمه*. قم: دارالحديث.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مظهری، محمد ثناء الله. (۱۴۱۲ق). *التفسیر المظهری*. پاکستان: مکتبه رشیدیہ.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). *ترجمه قرآن*. قم: دارالقرآن الکریم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نرم‌افزار جامع التفاسیر القرآن.
- نرم‌افزار قاموس النور.
- نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

استناد به این مقاله: خنشا، علیرضا. (۱۴۰۴). جایگاه فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت در قرآن با تأکید بر فقه و حقوق اسلامی. فصلنامه تحقیقات نوین

میان‌رشته‌ای حقوق، ۵(۴)، ۳۷-۴۹.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.